



PROJECT MUSE®

Persian in use

Sedighi, Anousha

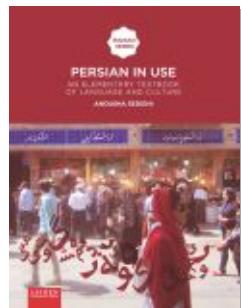
Published by Leiden University Press

Sedighi, A..

Persian in use: An Elementary Textbook of Language and Culture.

Leiden University Press, 0.

Project MUSE., <https://muse.jhu.edu/>.



➔ For additional information about this book

<https://muse.jhu.edu/book/46336>

ورزش و سرگرمی

Sports & Entertainment



Communication Objectives

Talking about Popular Iranian Sports
Talking about Iranian Cinema
Talking about Favorite Hobbies
Talking about Events Taking Place in the Future
Using Slang & Street Talk

Contents

Interactive Dialogue 1: Are You a Fan of Persepolis or Esteghlal?
Interactive Dialogue 2: Can We Get Tickets for the Fajr Film Festival?
In-class Reading: The International Roshd Film Festival
Grammar 1: Future Tense
Reading from a Play: آرشن (written by Bahram Beyzai)
Let's Learn More: What's Your Favorite Sport?
Grammar 2: Uses of که
Grammar 3: Uses of تا
Reading from a Film Script: علی سنتوری (written by Dariush Mehrjui & Vahidéa Mohammadi)
Let's Learn More: What is Your Favorite Hobby?
Calligraphy & Handwriting
Review Exercises
Review Corner
Poem: بازگشت by Kazem Kazemi
Song: یادگار دوست (Singer: Shahram Nazeri)
Cultural Note: Ancient Iranian Sport & Zurkhâne
Iranian Cinema
Proverb
Thematic Review of New Vocabulary



وازگان ۱

Yout're the man! (Slang)	چاکرتم	Awful	إِفْتَضَاح
We will see	خواهیم دید	This much!	این قدر / انقد
I had missed...	دلم تنگ شده بود	Cool (Slang)	باحال
Boss	رئیس	Game/Match	بازی
How much do you bet?	شرط چند می‌بندی؟	You do not believe	باور نمی‌شود! / باور نمی‌شه! (شو)
Fan/Follower	طرفدار	Winner	برنده
What luck!	عجب شانسی!	Let's go (Slang)	بزن برویم / بزن برمیم
Match	مسابقه	Shake on it! (Slang)	بزن قدش!
Sure/Certain	مطمئن	Childhood	بچگی
How is that possible?	مگر می‌شود؟ / مگه می‌شه؟	Accidental/Accidentally	تصادفی
Favorite	مورد علاقه	Team	تیم
For (Spoken)	واسه	Serious/Seriously	جدی
		Swear to you	جان تو / جون تو

کتاب را ببینید و به گفتگو گوش کنید. سپس جاهای خالی را پر کنید.



گفتگو ۱

کامران: باور نمی‌شه چی شده! امروز یکی از بهترین روزای زندگیمه!

کیارش: بابا چی شده که انقد خوشحالی؟

کامران: خیلی باحال شد جون تو! رئیسم بهم دو تا بلیت داده واسه

مسابقه‌ی جمعه شب «پرسپولیس» و «استقلال»!

کیارش: ————— می‌گی؟ عجب شانسی! پس بزن برمیم! دلم واسه

تیم مورد علاقه‌ام تنگ شده بود! من عاشق تیم استقلالم!

کامران: نه بابا! من نمی‌دونستم! مگه می‌شه؟ یعنی تو طرفدار تیم پرسپولیس نیستی؟

کیارش: من آبی آبی ام. تمام فامیل ما قرمزن ولی من از ————— عاشق تیم استقلال بودم؛ هنوزم هستم!

کامران: شنیدم که بازی هفته‌ی پیششون خیلی ————— بوده!

کیارش: اون که تصادفی بوده ولی من مطمئنم که جمعه استقلال برنده می‌شه!

کامران: خواهیم دید! شرط چند می‌بندی؟

کیارش: یه چلو کباب! —————!

کامران: چاکرتم!



In English, the word "cool" can be used by itself as in "Cool!". But in Persian, it cannot be used alone.



The written forms are provided for educational purposes as slang is not used in the written form.

نوشتاری

گفتگو ۱

کامران: باورت نمی شود چه شده ————— ! امروز یکی از بهترین روزهای زندگی **ام** است.

کیارش: بابا چه شده است که **این قدر** خوشحالی ؟

کامران: خیلی باحال شد **جان تو!** رئیسم به **من** دو **عدد** بليت داده است برای مسابقه‌ی جمعه شب «پرسپولیس» و «استقلال» !

کیارش: جدی می گویی ؟ عجب شانسی ! پس بزن ————— ! دلم برای تیم مورد علاقه‌ام تنگ شده بود ! من عاشق تیم استقلالم !

کامران: نه بابا ! من نمی دانستم ! مگر ————— ؟ یعنی تو طرفدار تیم پرسپولیس نیستی ؟

کیارش: من آبی آبی **آم**. تمام فامیل ما **قرمزند** ولی من از بچگی عاشق تیم استقلال بودم؛ هنوز **هم** هستم !

کامران: شنیده‌ام که بازی هفته‌ی پیشان که خیلی افتضاح بوده است !

کیارش: آن که تصادفی بوده است ولی من مطمئنم که جمعه استقلال برنده می شود !

کامران: خواهیم دید ! شرط چند می‌بندی ؟

کیارش: **یک** چلو کباب ! بزن قدش !

کامران: چاکرتم !



تمرین ۱

گفتگوی بالا با هم کلاسی تان تمرین کنید:

واژگان ۲

At work	سر کار	Incidentally	اتفاقاً
Line/Queue	صف	If you want	اگر بخواهی / اگه بخوای
Director	کارگردان	This way	این طوری
We may/should catch/find	گیربیاوریم / گیربیاریم	After that (Spoken)	بعدیش
Do you feel like...? (Slang)	حال داری ؟	Positive reply to a negative question	چرا
I stand	می‌ایستم / وای می‌سم	Festival	جشنواره
		Late (time)	دیر وقت

کتاب را بیندید و به گفتگوی صفحه‌ی بعد گوش کنید. سپس جاهای خالی را پر کنید.



گفتگو ۲



کاوه: فردا شب برنامه داری عزیزم؟ ————— بريم سينما؟

پريسا: من فکر کردم تا دير وقت کار می کني!

کاوه: نه ————— زود می آم خونه. اگه بخواي می تونيم بريم.

جشنواره‌ی فilm «فجر» داره تموم می شه. فردا شب آخرش!

پريسا: می گن فilm‌های امسال خيلي عالي بوده! حالا فيلمش چيه؟ می دوني
که من عاشق فilm‌های تهمينه ميلاني ام!

کاوه: متأسفانه کارگردان film فردا تهمينه ميلاني نیست. رختان بنی اعتماده. از کارهای اون خوشت نمی آد؟

پريسا: چرا! خيلي کارашو دوست دارم! فکر می کني بتونيم بلیت گير بياريم؟ حتما خيلي شلoug می شه!

کاوه: آره. من از سر کار مستقيم می رم سينما تو ————— واي می سم تا تو بياي.

پريسا: اين طوري عاليه! بعدشم می توانيم بريم رستوران مورد علاقه‌ی من!

نوشتاري

گفتگو ۲

کاوه: فردا شب برنامه داری عزیزم؟ حال داري به سينما برويم؟

پريسا: من فکر کردم تا دير وقت کار می کني!

کاوه: نه اتفاقاً زود به خانه می آيم. اگر بخواهی می توانيم برويم. ————— film «فجر» دارد تمام

می شود. فردا شب آخرش است!

پريسا: می گويند film‌های امسال خيلي عالي بوده است! حالا فيلمش چي است؟ می داني که من عاشق
film‌های تهمينه ميلاني ام!

کاوه: متأسفانه ————— film فردا تهمينه ميلاني نیست. رختان بنی اعتماد است. از کارهای او خوشت
نمی آيد؟

پريسا: چرا! خيلي کارهايش را دوست دارم! فکر می کني بتوانيم بلیط گير بياوريم؟ حتما خيلي شلoug می شود!

کاوه: بله. من از سر کار مستقيم به سينما می رم و در صف ————— تا تو بياي.

پريسا: اين طوري عالي است! بعدش هم می توانيم به رستوران مورد علاقه‌ی من برويم!



The affirmative answer to a negative question requires **چرا**:

از کارهای او خوشت نمی آيد؟ **چرا**، خيلي!

تمرین ۲

گفتگوی بالا را با هم کلاسی تان تمرین کنید:



تمرین ۳

شش واژه پیدا کنید که فرم نوشتاری و گفتاری شان با هم متفاوت است و آنها را در جدول زیر بنویسید.

گفتاری	نوشتاری ←	گفتاری	نوشتاری ←



خواندن



جشنواره بین المللی فیلم «رشد»



جشنواره بین المللی فیلم رشد قدیمی‌ترین جشنواره فیلم در ایران است که هر سال در آبان ماه در تهران برگزار می‌شود. جشنواره فیلم رشد جشنواره فیلم‌های برتر آموزشی است. این جشنواره نخستین بار در سال ۱۳۴۲ هجری شمسی برگزار شد. امسال بیشتر از بیست و شش کشور در این جشنواره شرکت خواهند کرد و سازمان «يونیسف» به فیلم‌های برنده جایزه خواهد داد. جشنواره بین المللی فیلم رشد بخش‌های مختلفی دارد مثل بخش فیلم‌های آموزشی کوتاه و بلند، بخش فیلم‌های مستند کوتاه و بلند، بخش فیلم‌های انیمیشن کوتاه و بلند، و بخش فیلم‌های داستانی کوتاه و بلند کودک و نوجوان.

Story/Fiction	داستان	Animation	انیمیشن
Organization	سازمان	Educational	آموزشی
They will attend	شرکت خواهند کرد	Section/Part	بخش
Old (for inanimates)	قدیمی	Is organized	برگزار می‌شود
Short	کوتاه	Was organized	برگزار شد
Child	کودک	Long	بلند
Various	مختلط	International	بین المللی
Documentary	مستند	Prize/Award	جایزه
Adolescent	نوجوان	Will give	خواهد داد



تمرین ۴

به پرسش‌های زیر پاسخ کامل دهید.

۱. جشنواره‌ی بین المللی فیلم رشد در کجا و کی برگزار می‌شود؟

۲. جشنواره‌ی فیلم رشد درباره‌ی چه فیلم‌هایی است؟

۳. جشنواره‌ی بین المللی فیلم رشد نخستین بار در چه سالی برگزار شد؟

۴. امسال چند کشور در این جشنواره شرکت خواهند کرد؟

۵. جشنواره‌ی بین المللی فیلم رشد چه بخش‌هایی دارد؟

۶. «یونیسف» چیست؟

۷. آیا کشور شما جشنواره‌ی فیلم‌های آموزشی دارد؟ نام آن جشنواره چیست؟

Antonyms		Synonyms	
قدیمی ≠ جدید	کوتاه ≠ بلند	برنده ≠ بازنشده	دانستان = قصه
	متأسفانه ≠ خوشبختانه	آخر ≠ اول	بخش = قسمت



تمرین ۵ واژگان

جملات زیر را با واژگان مناسب از لیست زیر کامل کنید:

شرط – طرفدار – کارگردان – مستند – برنده – شرکت خواهند کرد – حال داری – قدیمی‌ترین – بین المللی

۱. جشنواره‌ی بین المللی فیلم رشد _____ جشنواره‌ی فیلم در ایران است.

۲. فردا شب برنامه داری عزیزم؟ _____ بريم سينما؟

۳. امسال بیشتر از بیست کشور در این جشنواره _____

۴. رخshan بنی اعتماد _____ مورد علاقه‌ی من است.

۵. من نمی‌دانستم! یعنی تو _____ تیم پرسپولیس نیستی؟

۶. جشنواره‌ی فیلم رشد یک جشنواره‌ی _____ است.

۷. خواهیم دید! _____ چند می‌بندی؟

۸. سازمان یونیسف به فیلم‌های _____ جایزه خواهد داد.

دستور زبان ۱

زمان آینده FUTURE TENSE

In Lesson 3, we learned that the simple present tense can be used to describe actions taking place in the future. Persian also has a future tense, which is not commonly used in spoken form and is mainly used in the written form. The usage is similar to the English “will/shall” in a sentence such as “We shall see”. The future tense may also be used for emphasis and clarity in the spoken form.

To form the Future Tense:

- 1) Conjugate خواستن in the **present tense** for the appropriate subject, but **do not** add the prefix می.
- 2) Add the **past stem** of the main verb (with no verb ending). Example: خواهم + خندید

خندیدن

خواهیم خندید	ما	خواهیم خندید	من
خواهید خندید	شما	خواهی خندید	تو
خواهند خندید	آنها	خواهد خندید	او

For compound verbs, the conjugated خواستن is placed closest to the verbal component.

درس خواندن

درس خواهیم خواند	ما	درس خواهیم خواند	من
درس خواهید خواند	شما	درس خواهی خواند	تو
درس خواهند خواند	آنها	درس خواهد خواند	او

NEGATION

To negate the future tense, attach the negative prefix نـ to the conjugated form of خواستن in the present tense.

خندیدن

نخواهیم خندید	ما	نخواهیم خندید	من
نخواهید خندید	شما	نخواهی خندید	تو
نخواهند خندید	آنها	نخواهد خندید	او

درس خواندن

درس نخواهیم خواند	ما	درس نخواهیم خواند	من
درس نخواهید خواند	شما	درس نخواهی خواند	تو
درس نخواهند خواند	آنها	درس نخواهد خواند	او



تمرین ۶

فعال‌های بخشی دستور زبان را با هم کلاسی‌تان بخوانید.

تمرین ۷

فعال‌های زیر را در زمان آینده صرف کنید:

۱. کلاس مینا ساعت هفت _____ . (تمام شدن)

۲. خانه‌ی آقا و خانم کریمی سه طبقه _____ . (بودن)

۳. تو امروز چه _____ . (کار کردن)

۴. من غذای چینی _____ . (خوردن - منفی)

۵. آنها از هواپیمایی هما _____ . (استفاده کردن - منفی)

۶. شما با آقای مدیر _____ . (مسافرت کردن)

۷. من در آینده در ایران _____ . (زندگی کردن)

۸. آیا شما آلس را در آنجا _____ . (دیدن)

۹. من در تعطیلا به کارم _____ . (فکر کردن - منفی)

۱۰. پدر و مادر من _____ . (فهمیدن)

تمرین ۸

به فارسی ترجمه کنید. از فرم نوشتاری استفاده کنید.

1. Next year, will you not come to Iran? Yes, I will come to Iran.

2. Will you not go to the Perspolis match? Yes, I will go to Perspolis match.

3. Will you marry me? No, I will not marry you.

4. Will you not eat this food? Yes, I will eat it.

5. Will the Fajr Film Festival be organized in Shiraz next year? No, it will not be organized in Shiraz next year.

6. Your airline ticket will expire next month? Yes, it will expire next month.



تمرین ۹

Change the verbs into the future tense. Change the adverbs to match the tense. Work in pairs, groups, or as a class. Example:

Student 1 (*book open*): من در ایران زندگی می‌کنم.

Student 2: (*book closed*): من در ایران زندگی خواهیم کرد.

Group 2	Group 1
۱. ما در کشور سردی زندگی می‌کنیم.	۱. این درس سخت است.
۲. من مطمئنم که جمیع استقلال برنده می‌شود.	۲ دلم برای تیم مورد علاقه‌ام تنگ شده بود.
۳. فرش ابریشم گرانتر است.	۳. من نمره‌ی بدی گرفتم.
۴. حتماً گذرنامه‌ی ایرانی تان دو باطل شده است.	۴. این جشنواره در تهران برگزار می‌شود.
۵. تو به جشنواره‌ی فیلم رشد می‌روی؟	۵. به نظر تو ایران کشور خوبی است؟

تمرین ۱۰

The following text is part of a play called آرش, written by Bahram Beyzai. It is about an ancient heroic figure. The text is written in archaic style so it may be difficult to understand. Underline familiar words and find a verb in the future tense.

نمايشنامه‌ی آرش

و او «کشاد» گفت: یک فرسنگ.
و خروش از سپاهیان برخاست. ایشان به فریاد بلند می‌گفتند: ای کشاد پیش برو، به سوی
تورانیان که گروهشان به گروه دیوان می‌مانند. و به ایشان بگوی که تو تیر خواهی انداخت.
تا هر کجا که تیر تو ببرود تا همانجا از آن ایران است. تا هر کجا تیر تو ببرود ای کشاد!
سردار می‌گوید: اینک فرمان!
و کشاد می‌غزد: نمی‌برم!
پس سردار از دل آن غبار به او می‌نگرد سرخ: ای کشاد باد می‌وزد، و من پاسخ تو نشنیدم.
نویسنده: بهرام بیضائی



بیشتر بدانیم

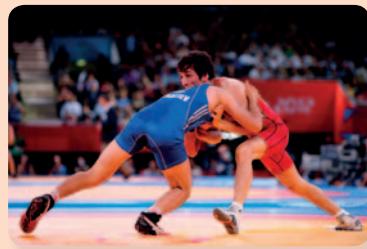
ورزش مورد علاقه‌ات چیه؟



والیبال



دو و میدانی / دو میدانی



گشتی



تنیس روی میز - پینگ پنگ



تنیس



اسکی



وزنه‌برداری



شنا



هنرهای رزمی



ورزش باستانی



بسکتبال



فوتبال



تمرین ۱۱

جملات زیر را با واژگان مناسب از لیست زیر کامل کنید:

اسکی - بین المللی - نیس - فوتبال - جشنواره - بسکتبال - ورزش باستانی - سازمان

۱. من دارم به کلاس _____ روی میز می روم.
۲. رنگ یونیفورم تیم _____ استقلال آبی است.
۳. ورزش ملی کشور ایران ورزش _____ است.
۴. در نزدیک تهران سه پیست _____ است: «دیزین»، «شمشک» و «آبلی».
۵. در ورزش _____ نباید توپ را با پارت کنیم.
۶. ورزش _____ شبیه تنیس است.

تمرین ۱۲

Talk with three of your classmates about their favorite sports. Present your findings to the class.

تمرین ۱۳

Name one or two sports that each of these countries is famous for. Write in Persian:

۱. آمریکا	۲. پاکستان
۳. روسیه	۴. چین
۵. برزیل	۶. کانادا



پیست اسکی دیزین در نزدیکی تهران



تمرین ۱۴

Look at the following advertisement and answer the following questions:

- What kind of facilities are offered in گل نرگس sports complex?
- What kind of classes do they have for women and men?
- What are the credentials of the manager?

**مجمعه ورزشی
گل نرگس (بلوک ۵)**

شرایط ویژه برای عضویت مجموعه

**با مدیریت نورانی
کارشناس ارشد تربیت بدنی**

**استخر - سونا
جکوزی - بدنسازی**

**حوضچه آب سرد
و جکوزی**
سونای بخار
سونای خشک
استخر کودکان

آموزش تخصصی شنا خصوصی و گروهی

**آب درهات، لاغری موفعی
بدنسازی همراه استفر
مسابقات تخصصی (ریاکسیشن)
در رکاب موزون در آب (بانوان)**

بانوان:
ایروپیک (زیر نظر مریض مجتبی)
آقایان:
نکو اندو؛ تای بکس، آموزش ماساژ (زیر نظر مریض مجتبی)
بوکا؛ ویژه آقایان، نوجوانان و بزرگسالان

بانوان: روزهای فرداز ۸ صبح الی ۰۸:۳۰ شب
آقایان: روزهای زوچ و جمعه از ۸ صبح الی ۱۱:۳۰ شب

بدنسازی یا جدید ترین دستگاه های بدنسازی جاتسون امریکا

شهرک الالان، فاز ۲، بلوک ۵
۴۴۶۵۵۸۱۷ ۴۴۶۷۰۶۸۳



دستور زبان ۲



انواع «که»

که is used in several constructions:

a) که in Conjunction

که can be used in conjunction form and can be optionally omitted as in English.

I think **that** he is Nima. ۱. فکر می کنم **که** او نیما است.

I think he is Nima. ۲. فکر می کنم او نیما است.

b) که in Relative Clauses

که can be used as a relative pronoun. The English words *Who*, *Whom*, *Whose*, *Which*, *That*, and *Where* can be replaced by که in Persian. In a relative clause, the noun that appears before که requires a non-specific suffix /i/. Examples:

The girl **who** is laughing is my sister. ۳. دختری **که** می خنده، خواهر من است.

The book **that/which** I read was not so good. ۴. کتابی **که** خواندم، خیلی خوب نبود.

The man **whom** you saw is my brother. ۵. مردی **که** دیدی، برادر من است.

The girl **whose** car is here, is my friend. ۶. دختری **که** ماشینش اینجاست، دوست من است.

c) که as “So that” or “In order to”

I go to class (**in order**) to learn Persian. ۷. به کلاس می روم **که** فارسی یاد بگیرم.

Mina went to Iran (**in order**) to visit her homeland. ۸. مینا به ایران رفت **که** وطنش را ببیند.

When که means “so that” or “in order to”, it is followed by a verb in **subjunctive** form (ex. 7 & 8). که can be replaced by تا when it means “so that” or “in order to”. We will learn about تا on the next page.



انواع «تا» USES OF “tā”

تا-is used in the following constructions some of which we have already learned:

a) تا For counting

In spoken form, تا can be used after a number to show counting and quantification.

۱. من پنج تا کلاس دارم. I have five classes.

b) تا as “So that” or “In order to”

As we saw on the previous page, تا can replace که when it means: “so that” or “in order to”. In this construction the verb that follows تا must be in **subjunctive** form. Examples:

I go to class (**in order**) to learn Persian.

۲. من به کلاس می روم تا فارسی یاد بگیرم.

Mina went to Iran (**in order**) to visit her father.

۳. مینا به ایران رفت تا پدرش را ببیند.

c) تا as a preposition

تا can function as the prepositions “until/till”, “as long as”, or “as soon as”. Examples:

I am/will be at the university **till** five o’clock.

۴. من تا ساعت پنج در دانشگاه هستم.

As long as you gaze, my job is to sigh.

۵. تا تو نگاه می کنی، کار من آه کردن است. (شعری از شهریار)

تمرین ۱۵

Connect the two sentences with که. Look at the example below. Note which element is removed and pay attention to the usage of the non-specific suffix /i/.

آن مرد آمد. آن مرد برادر من است. ← مرد **i** که آمد برادر من است.

۱. آن کتاب را خواندم. آن کتاب افتضاح بود.

۲. یک فیلم دیدی. آن فیلم چطور بود؟

۳. یک خانه خریدیم. آن خانه خیلی بزرگ است.

۴. من یک کارگردان را خیلی دوست دارم. آن کارگردان «تهیمنه میلانی» است.

۵. مسافران خارجی به ایران آمدند. مسافران خارجی خیلی از ایران خوششان آمد.



تمرین ۱۶

جاهای خالی را با (که – تا – Ø) پرکنید:

۱. می‌خواهم درس بخوانم _____ دکتر بشوم. (که – تا – Ø)
۲. کتابی _____ خوانده بودی این کتاب است؟ (که – تا – Ø)
۳. جشنواره‌ی فیلم رشد _____ چه روزی خواهد بود؟ (که – تا – Ø)
۴. _____ تو غذا نخوری من نمی‌خورم. (که – تا – Ø)
۵. همیشه دوست داشتم فوتبال بوده است. (که – تا – Ø)
۶. خیلی وقت است _____ تو را ندیده‌ام. (که – تا – Ø)
۷. خواهیم دید _____ چه تیمی برنده می‌شود! (که – تا – Ø)

تمرین ۱۷

جملات زیر را به فارسی ترجمه کنید. از فرم نوشتاری استفاده کنید:

1. I went to the bank (in order) to get money.
2. The man who is driving is my father.
3. This is the woman whom I saw.
4. I am at home until afternoon.
5. She told me that her child is hungry.
6. John works hard (in order) to become rich.

تمرین ۱۸

Write a short essay about a film festival in your country. Describe the festival and talk about what kinds of films are shown in that festival. Indicate how often that festival is organized and in which city. Indicate whether you like or dislike that film festival. Support your ideas with concrete reasons. Use at least two relative clauses (with که). Include a sentence with a verb in the future tense.



تمرین ۱۹

Below is a monologue from a popular Iranian film “Ali Santoori”, written by Dariush Mehrjoui and Vahidéa Mohammadi:

1. Underline the familiar words.
2. Underline the verbs and indicate which tense they are.
3. Find at least one psychological verb.
4. Find two instances of که and determine what is the English equivalent of them (*who, whose, whom, which, that or where*).
5. What is the gist of the text?
6. Write a short summary of this text and use your own words.



فیلم علی سنتوری

وقتی از ایستگاه مترو او مدم بالا آسمون مثل همیشه کدِر و بدرنگ بود.
توی هوا پر از دود بود و من نمی‌دونستم که این آخرین باریه که این
هوای کثیفو به ریه‌های سوخته‌ام می‌دم. از وقتی هانیه همسرم گذاشته
رفته، دیگه دلم به کار نمی‌رده. بعضی از برنامه‌ها رو قبول نمی‌کنم. با
بعضی‌هاش بدقولی می‌کنم و نمی‌رم. یا سرِ مجلس خوابم می‌بره یا
می‌زنم زیرِ گریه.

مث اون شب تو کنسرت نمایشگاه که انقدر پاتیل بودم که یادم نبود
هانیه رفته! خیال می‌کردم مثل همیشه تو ردیف جلو نشسته و با نگاه شیفته به من خیره شده. تو
میکروfon گفتم:

مرسی، ممنون. امشب یه موجود خیلی عزیزی اینجاس که باید ازش تشکر کنم: هانیه، همسرم!
واقعیّتش تالاپ خورد تو کله‌ام. هانیه اونجا نبود!

این روزا همچ مست و پاتیل بودم. خراب کاریایی کردم، چه جور! که باعت شد شهر تم کم‌کم
ضایع بشه و دیگه کسی بهم کار نده...

نویسنده‌گان: داریوش مهرجویی و حمیده محمدی

کارگردان: داریوش مهرجویی



بیشتر بدانیم

سَرْگُرمِی مُورِّد علاقيهات چيه؟



۴ / ۵

Cooking	آشپزى
Singing	آواز خواندن / خوندن
Computer games	بازی‌های کامپیوتري
Gardening	باغبانى
Theater	تئاتر
Calligraphy	خوش‌نويسى
Sewing	خَياطى
Dance (Traditional)	رَقص (سُنتى)
Cinema	سيَما
Chess	شَطرنج
Reading	كتاب خواندن / خوندن
Music (Traditional)	موسيقى (سُنتى)
Painting	نَقاشى

سَرْگُرمِي مُورِّد علاقيهات



تمرين ۲۰

Task: Interview your classmate and ask about his/her favorite hobbies. Then interview a second classmate and ask the same. Ask the second classmate whether or not s/he likes the hobbies mentioned by the first classmate. Prepare a report comparing and contrasting the hobbies that your two classmates like/dislike. Example:

سَرْگُرمِي مُورِّد علاقيهى ماريا موسيقى است. او از رقص هم خوشش مى‌آيد. او به آشپزى هم علاقه دارد و هر روز آشپزى مى‌کند. ماريا از بازی‌های کامپیوتري خيلي بدش مى‌آيد ولی كريis عاشق بازی‌های کامپیوتري است. كريis از شطرنج هم خيلي خوشش مى‌آيد ولی متاسفانه وقت برای شطرنج ندارد.



بیشتر بدانیم



خوشنویسی و دست خط Calligraphy & Handwriting

Calligraphy has a long history in Iran which goes back to the Zoroastrian roots of Iran. There are several types of Persian calligraphy such as Nasta'ligh and Cursive Nasta'ligh نَسْتَعْلِيقٍ شِكْسَتَه. Here are some samples of Persian calligraphy.



نَسْتَعْلِيقٍ شِكْسَتَه



نَسْتَعْلِيقٍ



تمرين ۲۱

By now, you know that Persian handwriting is in many ways different from Persian fonts that are used in typing. Here are the handwritten forms of the text on the previous page. With a classmate, explore the differences between the following handwritings.

بهرین چیز رسانید که از حادثه عشق تراست

بهرین چیز رسانید به نگاهیت که از حادثه عشق تراست.

بهرین چیز رسانید به نگاهیت که از حادثه عشق تراست.

بهرین چیز رسانید به نگاهیت که از حادثه عشق تراست.

تمرين ۲۲

Practice reading the following handwritten text:

آقای توکلی هاس گرفتن فرمول در صورت امکان

بعد از خود، تلفن هواخواه هاس بگیری.

تمرين ۲۳

الف: به فرم نوشتاری تبدیل کنید:

۱. می خوای من برم سینما تو صف وای سم تا تو بیای؟

۲. خیلی کارای این کارگردانو دوس دارم! یعنی می شه بتونیم بلیت فیلمشو بگیریم؟

ب: به فرم گفتاری تبدیل کنید:

۱. باورت نمی شود چه شده است!

۲. جدی می گویی؟ پس بعدش هم به رستوران مورد علاقه‌ی من برویم.



تمرين ۲۴

به فایل صوتی گوش کنید و جاهای خالی را پرکنید:

زرتشت



زرتشت پیامبر سال‌ها پیش از مسیح دقيق زرتشت را نمی‌داند. ایرانیان قبل از حمله‌ی اعراب بودند. بعد از حمله‌ی اعراب بعضی از به رفتند، مسلمان شدند، و بعضی زرتشتی ماندند. هنوز هم بعضی از ایرانیان زرتشتی در ایران

ولی تعداد بسیار است. زرتشتیانی که بعد از حمله‌ی اعراب، از ایران به هند رفتند پارسی نامیده‌اند. زرتشتیان ایران هم بیشتر در شهرهای یزد، کرمان، اصفهان، و اهواز زندگی می‌کنند.

تمرين ۲۵

جملات زیر را با حرف اضافه‌ی مناسب کامل کنید:

۱. من هر روز اتوبوس به کلاس رقص می‌روم. (با - به - از - برای - در)
۲. مسافران خارجی جشنواره‌ی رشد به ایران آمده‌اند. (با - به - از - برای - در)
۳. من شطرنج خیلی خوش آمده‌است. (با - به - از - برای - در)
۴. جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم فجر تهران برگزار می‌شود. (با - به - از - برای - در)
۵. من سرکار به سینما می‌روم و صف می‌ایستم. (با - به - از - برای - در)
۶. فردا یکی بهترین روزهای زندگی من خواهد بود. (با - به - از - برای - در)



تمرین ۲۶

فعل‌های زیر را در زمان داده شده صرف کنید:

۱. شاهین _____ (Present progressive) (درس خواندن)
۲. کتاب فارسی ما خوب _____ (Present/Negative) (بودن)
۳. با من _____ (Negative/Imperative/Singular) (حرف زدن)
۴. من تو را _____ (Present perfect) (دیدن)
۵. او همیشه مادرش را _____ (Past perfect) (دوست داشتن)
۶. آنها _____ (Past continuous) (خندیدن)
۷. آنها _____ (Past progressive) (خوردن)
۸. آنها می‌خواهند _____ (Subjunctive) (دعوت کردن)
۹. کلاس شما چند ساعت _____ (Future) (طول کشیدن)
۱۰. ما به ایران _____ (Negative/Future) (رفتن)
۱۱. تو هم _____ (Future) (رقیضیدن)؟
۱۲. من از هوای ابری _____ (Psychological verb/Present) (بد + آمدن)

تمرین ۲۷

Listen to the audio file and fill in the blanks. Next, underline the verbs in the text and identify what tense they are:

ماریا پانزده سال است که در ایران زندگی _____ و از او دانشجوی زبان فارسی _____ بچگی از زبان و ادبیات فارسی خیلی _____. ماریا به ایران _____ تا زبان فارسی یاد بگیرد. همسایه‌های او که افغانی هستند، فارسی دری _____ ماریا به راحتی می‌تواند لهجه‌ی آنها را _____. ماریا می‌خواهد سال آینده به کابل برود. او بعداز دیدن کابل به تهران _____ ماریا به موسیقی _____ ایرانی و ایران هم _____ دارد. فیلم‌های او فیلم‌های _____ و ایرانی هستند. ماریا معتقد است سینمای ایران و سینمای ایتالیا از _____ و هنری‌ترین سینماهای _____ هستند.



تمرين ۲۸

جاهاي خالي را با شكل درست فعل پرکنيد:

۱. مادر: غذا حاضر است. برادر و خواهرت را _____ . (صدا کردن)

مینا: چشم، مامان جان!

۲. من فردا ساعتِ شش به مینا _____ (تلفن کردن) و از او _____ (پرسیدن) که آیا دوست دارد با ما به مسابقه _____ . (آمدن)

۳. مادرم می‌گوید که مطمئن است که فیلم «علی سنتوری» در جشنواره _____ (برنده شدن) ولی من زیاد امیدوار _____ (بودن/ منفی)

۴. سینا از شطرنج خيلي خوشش می‌آيد. او با چند دانشجو _____ (دوست شدن) که برنده‌ي مسابقات شطرنج _____ (بودن) و می‌خواهد از آنها شطرنج _____ . (یاد گرفتن)

۵. دیروز نگین خيلي ناراحت _____ (بودن) چون باید در هوای ابری و بارانی پیاده به خانه _____ . (رفتن)

۶. هم‌کلاسي‌های لادن می‌خواهند برای او جشن تولد _____ . (گرفتن)

۷. من حدود شش سال است که به وطنم _____ (برگشت/ منفی) و پنج سال است که از کانادا _____ . (بیرون رفتن/ منفی)

تمرين ۲۹

Task: Your friend wants to start learning a new sport. He is considering learning how to ski. You want to convince him that skiing is not a good sport for him because he dislikes (Psychological verb) cold places and the cold. Suggest that you think he should learn martial arts because it is good for his body and his soul. Support your ideas with concrete reasons.



REVIEW CORNER

Points that remain unclear about Lesson 10:

How I plan to work on these points:

شعر



The following poem is by Mohammad Kazem Kazemi, the Afghan Poet residing in Iran. It is about Afghan refugees in Iran. Underline the verbs in the future tense. Find two past participle forms. You will not be evaluated on the content but you can use it for cultural enrichment.

بازگشت



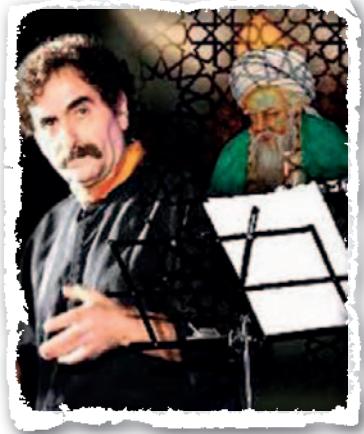
غروب در نفسِ گرمِ جاده خواهم رفت
پیاده آمده بودم، پیاده خواهم رفت
طلسم غربتم امشب شکسته خواهد شد
و سفره‌ام که تهی بود، بسته خواهد شد
و در حوالی شباهای عید، همسایه!
صدای گریه نخواهی شنید، همسایه!
همان غریبه که قلک نداشت، خواهد رفت
و کودکی که عروسک نداشت، خواهد رفت
منم تمام افق را به رنج گردیده
منم که هر که مرا دیده، در گذر دیده
منم که نانی اگر داشتم، از آجر بود
و سفره‌ام - که نبود - از گرسنگی پر بود
به هرچه آینه، تصویری از شکست من است
به سنگ سنگ بنها، نشان دست من است
اگر به لطف و اگر قهر، می‌شناسندم
تمام مردم این شهر، می‌شناسندم
من ایستادم، اگر پشت آسمان خم شد
نمای خواندم، اگر دهر ابن ملجم شد

شاعر: محمد کاظم کاظمی

ترانه

Listen to the following song by Shahram Nazeri on YouTube. The lyrics are from Rumi. Underline the verbs in the future tense. Find one verb in the present perfect tense. You will not be evaluated on the content but you can use it for cultural enrichment.

یادگار دوست



دل در غم عشق بیلاخواهم کرد
جان را سریز بیلاخواهم کرد
عمری که نه داشت تو گذاشته ام
امروز به خون دل قضاخواهم کرد

تابا غم عشق تو مرکار افتاد
سخاره دلم در غم بسیار افتاد
بسیار فقاده بود اند رغم عشق
اما نه پیشین زار که این بار افتاد

شاعر: مولوی (رومی) (۱۲۰۷-۱۲۷۳)



نکته‌ی فرهنگی

Ancient Iranian Sport and Zurkhâne

The ancient Persian sport is called varzesh-e bâstâni (ancient sport), also known as pahlevâni or Zurkhâne’i پهلوانی زورخانه ای . This is a traditional sport originally used to train warriors. Bâstâni is not just a sport to train the body but it is a lifestyle in which the athlete learns to exercise high moral values in life. It contains elements of martial arts, calisthenics, wrestling, and strength training, which are accompanied by song, music, and Sufi and epic poetry. UNESCO recognized this sport as one of the ancient forms of athletics and training, with its roots possibly going back to pre-Islamic Persian culture.

The space where this sport is practiced is called Zurkhâne (house of strength) and is a domed structure with a lowered stage where the audience can sit around and observe the rituals. Music is an important element of Bâstâni sport. Usually a live performance by a Tombak (Persian goblet drum) or Daf (Persian frame drum) with special songs accompanies the Bâstâni ritual.





Iranian Cinema

Iranian cinema has become one of the world's most flourishing cinemas within the past several decades and many critics have praised Iranian Cinema as one of the world's most important artistic cinemas. Iranian directors and script writers have received prestigious awards at many international film festivals around the world. There are also a substantial number of Iranian women filmmakers who produce exceptional work.

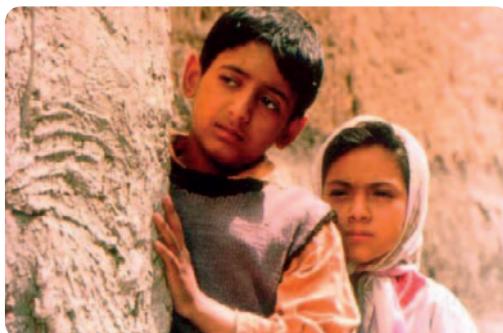
Here are some images from popular Iranian films:



قیصر ۱۹۶۹



خداحافظ تهران ۱۹۶۶



بچههای آسمان ۱۹۹۷



آتش بس ۲۰۰۶

ضرب المثل

Literal translation:

Snake dislikes pennyroyal and it grows in front of his nest.

مار از پونه بدش می‌آد، در لونه‌اش سبز می‌شه!

This proverb means that if you detest something, you may even attract it more to your life.



Thematic Review of New Vocabulary

Nouns & Adjectives	
Awful	إِفْتَضَاح
Ancient	بَاسْتَانِي
Childhood	بَچَگَى
Section	بَخْش
Long	بُلْند
International	بَيْنِ الْمِلَّاتِ
Prize/Award	جَائِزَه
Serious/Seriously	جِدِّي
Boss	رَئِيس
Organization	سازمان
Traditional	سُنتِي
Line/Queue	صَفَّ
Old (for inanimates)	قَدِيمٍ
Section/Part	قِسْمَتٍ
Short	كُوتَاه
Child	كُوْدَك
Various	مُخْتَلِفٌ
Sure	مُطْمَئِنٌ
Favorite	مُوْرِد عَلَاقَه
Grade/Mark	نُمرَه
Adolescent	نُوجَوان

Sports	
Ski	إِسْكِي
Basketball	بَسْكِيْتِبَال
Tennis	تِنِيْس
Table Tennis	تِنِيْس روِي مِيز - پِينْگ پِنْگ
Triathlon	دو و مِيدانِي
Swimming	شِنَا
Soccer	فُوتِبَال
Wrestling	كُشتِي
Volleyball	والِيَال
Sport	وَرَزْش
Ancient Sport	وَرَزْش باسْتَانِي
Weightlifting	وَزْنَه بَرَدارِي
Martial Arts	هُنْرَهَاتِ رَزْمِي

About Sport	
Loser	بَازَنَدَه
Game/Match	بَازِي
Winner	بَرَنَدَه
Team	تِيم
Fan/Follower	طَرَفَدار
Match	مُسَايِقَه

Film & Theater	
Animation	أَنِيمِيشِن
Educational	آمُوزِشِي
Festival	جَشِنْوَارَه
Story/Fiction	دَاستَان
Story/Tale	قِصَّه
Director	كَارَگَرِدان
Documentary	مُسْتَنَد
Play	نَمَایِشَنَامَه



Words & Expressions	
Incidentally	اِنْقَافًا
If you want	اگر بخواهی
This way	این طوری
This much	این قدر
After that (Spoken)	بَعْدِش
Accidental/Accidentally	تَصَادُفِي
Positive reply to a negative question	چرا
Fortunately	خوشبختانه
Late (time)	دیر وقت
At work	سَرِ کار
How much do you bet?	شَرْطٍ چند می بندی؟
What luck!	عَجَبٌ شانسی!
How is that possible?	مَكْرٌ می شود؟

Hobbies	
Cooking	آشپزی
Singing	آواز خواندن
Computer games	بازیهای کامپیووتری
Gardening	باغبانی
Theater	تئاتر
Calligraphy	خوشنویسی
Sewing	حَيَاطی
Dance	رقص
Cinema	سینما
Chess	شطرنج
Reading	كتاب خواندن
Music	موسیقی
Painting	نقاشی

Slang/Street Talk	
Cool	باحال
Let's go	بِرَّنْ بِرِيم!
Shake on it!	بِرَّنْ قَدِش!
Swear to you	جان تو
You're the man!	چاکِرِتم!
Do you feel like...?	حال داری؟

Verbs & Phrases	
You do not believe (Psychological verb)	باوَرِت نمی شَوَد! (شُدَن: شَو)
Was organized	بَرْگَزَار سُد (شُدَن: شَو)
Is organized	بَرْگَزَار می شود (شُدَن: شَو)
S/he will give	خواهد داد (دادَن: دَه)
We will see	خواهیم دید (دیدَن: بَین)
I had missed... (Psychological verb)	دِلَم تَنَگ شده بود (شُدَن: شَو)
They will attend	شِرَكَت خواهند کرد (کرَدَن: کُن)
We may/should catch/find	گَيربِياوَرِيم (آورَدَن: آور)
I stand	می ایستم (ایستادَن: ایست)

Prepositions	
Except	غِير از
For (Spoken)	واسه